

الکوی آتش بس رزیم صهیونیستی



بیان مسئله

پس از ۱۲ روز جنگ که با تجاوز رژیم صهیونیستی به حریم هوایی ایران آغاز شد، حال آتش بسی با ادعای ترامپ در فضای مجازی برقرار شده است. در ساعات اولیه بامداد رژیم صهیونیستی برای بار آخر تهران را به شدت مورد حمله قرار داد. اما دقایقی بعد دکتر عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با اعلام اقدام متقابل نهایی و سپس آتش بس به این مسئله اشاره کرد که ایران آغازگر آتش بس خواهد بود. بدین معنا که ایران نیز پاسخ حمله آخر رژیم صهیونیستی را بدهد و سپس این مناقشه به اتمام برسد.

این آتش بس از منظر جامعه بین المللی به ویژه واشینگتن، که خود را میانجی اصلی در آتش بس می داند، تنش زدایی در منطقه غرب آسیا تلقی شده است اما مقامات ایرانی و برخی از تحلیل گران سیاسی معتقدند که این آتش بس از سوی رژیم صهیونیستی پایدار نخواهد بود.

مسئله پابندی طرف های درگیر به آتش بس، به ویژه توسط رژیم صهیونیستی، یکی از اساسی ترین معضلات امنیت و ثبات در خاورمیانه به شمار می رود. در حالی که آتش بس ها در سطح بین المللی معمولاً مبنایی معتبر برای آغاز مذاکرات صلح یا کاهش بحران های مسلحانه تلقی می شوند، تجربه منازعات مزمن منطقه، به ویژه در فلسطین و لبنان، نشان داده که رویکرد عملی رژیم صهیونیستی نسبت به آتش بس ها به شدت پرسش برانگیز و بی اعتماد کننده است، مطابق اسناد معتبر و گزارش های نهادهایی همچون سازمان ملل متحد، دیده بان حقوق بشر و ناظران مستقل، رژیم صهیونیستی بارها پس از پذیرش یا امضای توافق های آتش بس - چه با طرف های فلسطینی، چه با حزب الله لبنان یا



دولت‌های عربی - تعهدات مربوطه را نقض کرده است. این اقدامات عمدتاً به شکل عملیات نظامی، حملات امنیتی و وقفه‌های هدفمند در ارسال کمک‌های انسانی یا رفع محاصره صورت گرفته است. پرسش اصلی این است که آیا می‌توان به رویکرد رژیم صهیونیستی در قبال توافقات آتش‌بس اعتماد داشت؟ داده‌های تاریخی نشان می‌دهد که عدم رعایت بی‌طرفی و پیشگامی رژیم صهیونیستی در نقض آتش‌بس، به یک الگوی ساختاری بدل شده است. مطابق با داده‌های مستند و تجمیع‌شده از سوی دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد^۱ و پایشگر حقوق بشری یورومد^۲، طی بازه ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵، رژیم صهیونیستی در ۷۷ درصد موارد، آغازگر نقض گسترده‌تر یا مرگبار آتش‌بس‌ها در غزه بوده است؛ نتیجه این روند، افزایش قابل توجه تلفات غیرنظامیان و تداوم چرخه خشونت و بی‌ثباتی در منطقه است، مروری بر هفت دهه بحران، از ۱۹۴۸ تاکنون، نشان می‌دهد که حتی با وجود امضای چندین دهه آتش‌بس، بخش قابل توجهی از این توافقات توسط رژیم صهیونیستی به صورت اولیه یا سیستماتیک نقض شده‌اند که این امر به گسترش خشونت و فقدان اعتماد بنیادین می‌انجامد. در عمل، تکرار نقض‌ها نه تنها چشم‌انداز توافق پایدار را تضعیف می‌کند، بلکه موجب بی‌اعتباری سازوکارهای حقوقی و ظرفیت دیپلماسی بین‌الملل و در نهایت استمرار بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری وضعیت انسانی در فلسطین و منطقه شده است. بنابراین، عدم تحقق کامل و الزام‌آور آتش‌بس‌ها - به‌ویژه به واسطه پیشگامی رژیم صهیونیستی در نقض - را باید مهم‌ترین مانع ایجاد ثبات بلندمدت در

^۱ UNOCHA

^۲ Euro-Med Monitor

فلسطین و کل منطقه دانست؛ پدیده‌ای که پیامدهای آن تا امروز، در قالب استمرار چرخه خشونت، افزایش هزینه انسانی و کاهش کارایی دیپلماسی جهانی، به وضوح قابل مشاهده است.

تحلیل موضوع

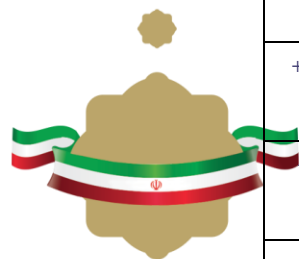
در بستر بحران‌های نیم قرن اخیر خاورمیانه، مفهوم «آتش بس» عمدتاً به منزله‌ی فرصتی برای فاصله‌گیری موقت از خشونت تلقی شده است. با این حال، بررسی تجربه‌های مکرر نقض آتش بس توسط رژیم صهیونیستی و پیامدهای انسانی ناشی از آن، به روشنی نشان می‌دهد که اتکای راهبردی یا سیاسی به پابندی این رژیم عملاً بی‌پایه بوده است. واقعیت اصلی، بی‌اعتمادی ساختاری به رژیم صهیونیستی است؛ به گونه‌ای که از آغاز بحران ۱۹۴۸ تا تازه‌ترین بحران در غزه و لبنان (۲۰۲۵)، تقریباً تمامی آتش بس‌ها نه تنها رعایت نشده‌اند، بلکه غالباً با نقض اولیه و سیستماتیک از سوی رژیم صهیونیستی و تداوم تلفات انسانی همراه بوده‌اند. در بازه‌ی ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۵، بر اساس داده‌های رسمی سازمان ملل متحد (دفتر هماهنگی امور بشردوستانه - اوچا)، دیده‌بان حقوق بشر، سازمان بتسلم، دیده‌بان حقوق بشر یورومد، گروه بین‌المللی بحران و گزارش‌های سالانه نهادهای میدانی، جمعاً ۱۹ توافق عمده آتش بس میان رژیم صهیونیستی و گروه‌های فلسطینی ثبت شده که رژیم در ۷۷ درصد این توافقات (۱۵ مورد از ۱۹ مورد)، نخستین ناقض رسمی آتش بس بوده و ۸۷ درصد نقض‌های کشنده یا با ریسک بالا نیز به‌طور مستقیم توسط رژیم صهیونیستی آغاز شده است. شواهد متعددی این الگو را تأیید می‌کند: تنها سه روز پس از آتش بس قاهره در نوامبر ۲۰۱۲، بمباران مواضع در غزه توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد. بنا بر گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۱۵، پس از هر دوره کاهش درگیری در جنگ ۲۰۱۴ غزه، رژیم صهیونیستی بارها آتش بس را به وسیله حملات هوایی و زمینی نقض



کرده است. در سال ۲۰۲۳ نیز، کمتر از ۲۴ ساعت پس از توافق موقت، حملات رژیم صهیونیستی علیه مواضع جهاد اسلامی ثبت شد. مطابق گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر و عفو بین الملل، حتی در روزهای پس از آتش بس در ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز حملات رژیم صهیونیستی به اهداف غیرنظامی ادامه داشته است. تحلیل های گروه بین المللی بحران و مرکز مطالعات الجزیره، ریشه این رفتار را در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی - مبتنی بر «بازدارندگی پویا» و سیاست پیش دستانه برای جلوگیری از بازسازی توان مقاومت - می دانند. میانگین سالانه نقض های رسمی و مستند از سوی رژیم صهیونیستی در دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، بین ۲۰ تا ۳۰ مورد بوده است که انواع حملات هوایی، عملیات نظامی، ترورهای هدفمند و بازداشت های فراقضایی را در بر می گیرد. این الگو در بحران های کلیدی و جنگ های مهم سده اخیر به وضوح دیده می شود.

در یک نگاه تحلیلی و مبتنی بر شواهد، جدول زیر تصویری جامع و مستند از مهم ترین جنگ ها، تاریخ آتش بس، شیوه نقض و میزان خسارات پس از آتش بس از سوی رژیم صهیونیستی ارائه می کند:

سال	نام جنگ	طرف‌های درگیر	تاریخ آتش بس	تعداد نقض توسط رژیم صهیونیستی	شمار کشته‌های پس از آتش بس
۱۹۴۸	جنگ استقلال - نکت	رژیم صهیونیستی - کشورهای عربی	۱۱ جولای ۱۹۴۸	+۱۰	+۱۵۰۰۰
۱۹۵۶	جنگ سینا	رژیم صهیونیستی - مصر	۷ نوامبر ۱۹۵۶	+۵	+۳۰۰۰
۱۹۶۷	جنگ شش روزه	رژیم صهیونیستی - مصر، سوریه، اردن	۲۲ ژوئن ۱۹۶۷	+۲۰	+۲۵۰۰۰
۱۹۷۳	جنگ یوم کیپور	رژیم صهیونیستی، مصر، سوریه	۲۵ اکتبر ۱۹۷۳	+۱۰	+۱۸۰۰۰
۱۹۸۲	جنگ لبنان	رژیم صهیونیستی، حزب الله، سوریه	۱۲ سپتامبر ۱۹۸۲	+۱۵	+۳۰۰۰
۲۰۰۰	دومین انتفاضه	رژیم صهیونیستی، فلسطین	سپتامبر ۲۰۰۰	+۱۰۰	+۴۰۰۰
۲۰۰۶	جنگ لبنان ۲۰۰۶	رژیم صهیونیستی، حزب الله لبنان	۱۴ اوت ۲۰۰۶	+۳۰	+۱۲۰۰
۲۰۰۸ - ۲۰۰۹	جنگ غزه (سرب گداخته)	رژیم صهیونیستی، حماس	۱۸ ژانویه ۲۰۰۹	+۲۵	+۱۴۰۰
۲۰۱۴	جنگ غزه ۲۰۱۴	رژیم صهیونیستی، حماس	۲۶ اوت ۲۰۱۴	+۴۰	+۲۲۰۰
۲۰۲۱	جنگ ۱۱ روزه غزه	رژیم صهیونیستی، حماس	۲۱ مه ۲۰۲۱	+۱۵	+۲۵۰
۲۰۲۴ - ۲۰۲۵	درگیری‌های اخیر غزه	رژیم صهیونیستی، حماس	۱۵ ژانویه ۲۰۲۴	۳۵۰-۲۶۵	+۱۱۸۰
۲۰۲۴ - ۲۰۲۵	درگیری‌های اخیر لبنان	رژیم صهیونیستی، حزب الله لبنان	۲۷ نوامبر ۲۰۲۴	۳۰-۱۵	+۱۵۰





در بحران‌های اخیر غزه (۲۰۲۴-۲۰۲۵) و لبنان نیز شدت و فراگیری نقض آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی افزایش چشمگیری یافته است؛ به گونه‌ای که طی یک سال گذشته، دست کم ۲۶۵ تا ۳۵۰ مورد نقض آتش‌بس در غزه ثبت شده که با تلفات بالای انسانی (بیش از ۱,۱۸۰ نفر) همراه بوده است. همچنین طبق گزارش‌های کمیته صلیب سرخ و ناظران میدانی، پس از آتش‌بس در لبنان نیز دست کم ۱۵ تا ۳۰ مورد نقض و بیش از ۱۵۰ کشته ثبت شده است، از منظر ساختاری و علی، یافته‌های میدانی دیده‌بان حقوق بشر و تحلیل‌های راهبردی گروه بین‌المللی بحران نشان می‌دهد که مدل ذهنی و راهبرد امنیت ملی رژیم صهیونیستی نه مبتنی بر التزام به صلح، بلکه متکی بر «دکترین بازدارندگی پویا» و استفاده ابزاری از آتش‌بس برای تضعیف توان مقاومت و تثبیت روایت برتری نظامی در افکار عمومی داخلی است. آتش‌بس در منطق رژیم صهیونیستی نه پایان بحران، بلکه فرصتی برای انجام عملیات هدفمند، بازتعریف آرایش میدانی طرف مقابل و ارسال پیام تهدید به رقبای منطقه‌ای تلقی می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت عنصر اعتماد حتی به صورت استثنایی به رژیم صهیونیستی در رعایت آتش‌بس‌ها، عملاً بی‌اساس و غیرعملیاتی است؛ چرا که بررسی دقیق‌تر هر اجلاس و قطعنامه آتش‌بس، صرف‌نظر از میانجی (سازمان ملل، روسیه، مصر، قطر)، منجر به یک نتیجه تکراری می‌شود: **نقض سیستماتیک رژیم صهیونیستی و بازگشت سریع به چرخه خشونت.**

جمع بندی

بررسی روند تاریخی آتش بس های رژیم صهیونیستی نشان می دهد این رژیم همواره با رویکردی ابزاری و فاقد ضمانت اجرایی معنابخش به تعهدات خود پایبند نبوده است. شواهد آماری و رفتاری نشان می دهد که در غیاب فشارهای مؤثر حقوقی و سیاسی، پدیده نقض توافقات تداوم خواهد یافت. بی التفاتی ساختاری رژیم صهیونیستی به تعهدات حقوقی و بهره گیری از آتش بس به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف نظامی یا به دست آوردن امتیازات سیاسی، آشکارا اثبات می کند که قرارداد صرف یا حضور ناظر بین المللی بدون ابزار الزام آور، نه تنها نمی تواند بحران را حل کند بلکه آن را دائماً بازتولید می کند. تحلیل داده های کمی و کیفی بیانگر آن است که نه تنها هیچ پشتوانه تجربی برای اعتماد به وفاداری رژیم صهیونیستی به آتش بس ها وجود ندارد، بلکه این وضعیت عملاً به استمرار بحران و سلب اعتماد از سازوکارهای میانجی گری بین المللی انجامیده است. تکرار رفتار تاکتیکی رژیم صهیونیستی، فضای یأس و بی اعتمادی را در میان طرف فلسطینی و افکار عمومی به وجود آورده و فرصت های صلح را به طور مستمر تضعیف می کند. با نبود سازوکار الزام آور و هزینه قابل توجه، هر آتش بس جدید، انعکاسی از تجربه های ناکام گذشته خواهد بود. بررسی داده های تطبیقی و مستند نشان می دهد که سیاست رژیم صهیونیستی در چند دهه گذشته بر مبنای «نقض مستمر و اغلب خشونت آمیز توافقات» استوار بوده است، واقعیتی که گزارش های رسمی نهادهایی همچون دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل، دیده بان حقوق بشر، مرکز حقوق بشری بتسلم³ و گروه بین المللی

³ B'Tselem



بحران^۴ به وضوح آن را مستند ساخته‌اند. برای رژیم صهیونیستی، آتش‌بس غالباً فرصتی برای بازآرایی نظامی، کاهش فشار بین‌المللی و پیشبرد منافع راهبردی است؛ رویکردی که هر راهکار دیپلماتیک را دشوارتر کرده و موجبات عدم ثبات و ناامنی پیوسته در منطقه را فراهم آورده است. داده‌های میدانی و آمارها نشان می‌دهد اعتماد به عمل به توافقات آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی نه تنها بی‌پایه است، بلکه موجب افزایش درگیری و از بین رفتن امکان واقعی حل بحران شده است. استمرار نقض‌های ساختاری و پرتکرار، که بارها توسط مراجع مستقل و معتبر ثبت شده، کارایی مفهوم آتش‌بس و تمام سازوکارهای رایج مدیریت بحران را زیر سؤال برده و لزوم بازنگری اساسی در طراحی و نظارت بر توافقات صلح را برجسته می‌سازد. مستند به گزارش‌های رسمی و پژوهش‌های مستقل، هیچ نشانه معتبری مبنی بر تغییر پایدار در رفتار رژیم صهیونیستی وجود ندارد. مرور وقایع از ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۴ به روشنی آشکار می‌کند که حتی شدیدترین فشارهای بین‌المللی نیز مانع رفتار نقض‌کننده این رژیم نشده و اتخاذ دکرترین بازدارندگی پویا و رقابت‌های سیاسی داخلی همچنان نقض پیش‌دستانه توافقات را در رأس سیاست‌های آن قرار داده است. در نتیجه، بی‌اعتمادی ساختاری به فرآیندهای آتش‌بس رژیم صهیونیستی، هر نوع مذاکره یا توافق جدید را فاقد استحکام و تضمین عملی می‌سازد.

⁴ International Crisis Group